

نقش تعلیم و تربیت در ترقی و پیشرفت ایران دوره قاجار از منظر روزنامه‌های فارسی‌زبان مصر

ستار زارعی^۱

غلامحسین زرگر تژاد^۲

چکیده: مطبوعات به‌عنوان یکی از ارکان اطلاع‌رسانی و یکی از مؤثرترین رسانه‌های گروهی نقش تعیین‌کننده‌ای در تحولات سیاسی، اجتماعی کشورها دارا هستند. در تاریخ معاصر کشور ما نیز مطبوعات از جایگاه برجسته‌ای برخوردارند و مطالعه تحولات مربوط به تاریخ معاصر کشور بدون در نظر گرفتن نقش مطبوعات ناقص خواهد بود. از جمله وقایعی که مطبوعات در ترویج مابنی و ویژگی‌های آن نقش فعالی داشتند وضعیت مدارس و تعلیم و تربیت دوره ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه و تأثیر آن در ترقی و پیشرفت کشور و جلوگیری از عقب‌ماندگی کشور است. عقب‌ماندگی ایران دوره قاجار و ترقی و پیشرفت شتابان غرب بسیاری از روزنامه‌نگاران روشنفکر آن دوره را به دنبال پاسخ این سؤال کشاند که چه عواملی موجب عقب‌ماندگی ایران و توسعه غرب شده است. این نشریات همانند روزنامه‌های فارسی‌زبان، حکمت، ثریا، پرورش، چهره‌نما و کمال که به دلیل اختناق کشور ایران در مصر منتشر و به صورت مخفی وارد ایران می‌شدند توجه خود را به مؤلفه‌های فرهنگی توسعه معطوف و ایرانیان را به تأسیس و گسترش مدارس دعوت می‌کردند و نقش مهمی در بیداری ایرانیان داخل و خارج کشور داشتند. در این نوشتار نویسندگان برای نیل به مقصود و پاسخ به این سؤال مطالب روزنامه‌ها را مورد بررسی و تحلیل قرار داده‌اند.

واژه‌های کلیدی: ایران، قاجار، ترقی، توسعه، مدارس، روزنامه‌های فارسی‌زبان مصر، قرن

۱ دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی دانشگاه آزاد واحد علوم تحقیقات (نویسنده مسئول) satarzareii@gmail.com

۲ استاد گروه تاریخ دانشگاه تهران zargari53@gmail.com

۹۷/۰۵/۲۷

تاریخ دریافت: ۹۶/۱۲/۱۸

The role of Education in Development of Iran in the Qajar Era from the perspective of Persian Newspapers in Egypt

Satar Zarei¹

GHolam Hossein Zargar Nejad²

Abstract: Press as one of the major sources of information and one of the most effective media outlets plays a decisive role in the political and social transformations of countries. In the contemporary history of our country, the press has a prominent position and the study of developments in the contemporary history of the country, will be incomplete if the role of the press are to be neglected. The status of schools and the education during Naser-al-Din Shah and Mozafar-al-Din Shah's period and its impact on the progress of the country and the prevention from retardedness is among the events in which the press played an active role in promoting its foundations and features. Iran's retardedness in the Qajar era and the rapid development of the West led many intellectuals of that period to seek to answer the question of what factors led to the retardedness of Iran and the development of the West. Some publications, such as Persian newspapers, "Hekmat", "Thuraya", "Parvaresh", "Chehrehnama" and "Kamal", which were published in Egypt and were secretly entered Iran due to the repression reigning in Iran, focused on the cultural components of development, and called Iranians for the establishment and expansion of schools, and played an important role in waking Iranians inside and outside the country. In this paper, the authors have analyzed the content of the newspapers for the purpose of answering to this question.

Keywords: Iran, Qajar, progress, development, schools, Persian newspapers of Egypt, century

1 Ph.D. Student of Iranian History in Islamic Period. Islamic Azad University, (Corresponding Author) satarzare@gmail.com

2 History Professor, Tehran University zargari53@gmail.com

مقدمه

ایرانیان در دوره ناصرالدین شاه برای نخستین بار با وجوه فکری تمدن غرب آشنا شدند و دریافتند که ایران کشوری عقب‌مانده است. افزایش تدریجی آگاهی‌های نسبی به وجود آمده درباره پیشرفت‌های جوامع غربی و مقایسه آن با عقب‌ماندگی کشور، گفتمان نوگرایی را وارد مرحله جدیدی کرد. در این مرحله طرح پرسش در مورد عقب‌ماندگی ایران و تلاش جهت خروج از این بحران گفتمان قانون‌گرایی و اصلاحات را در میان روشنفکران شکل داد. از آن پس بود که اندیشمندان مختلف به دنبال چرایی و ارائه راه حل برای بیماری عقب‌ماندگی ایران بودند. اوج این مباحث در دوره قبل از مشروطه توسط افرادی مانند میرزا ملکم‌خان، میرزا آقاخان کرمانی، میرزا یوسف‌خان مستشارالدوله، میرزا فتحعلی‌خان آخوندزاده و طالبوف مطرح شد. اما جدا از رساله‌هایی که در این باره منتشر شد، روزنامه‌های زیادی وضعیت آن دوره را به چالش طلبیدند. ثریا، حکمت، پرورش، چهرنما و کمال از جمله این روزنامه‌ها بودند. این جریان تحول‌خواه که در کشور مصر فعال بود، نقش مؤثری در تحولات داخلی ایران داشت که این تلاش‌ها سرانجام در قالب مشروطه خود را نشان داد. نویسندگان در پی پاسخ این سؤال هستند که روزنامه‌های فارسی‌زبان مصر تا چه اندازه به نقش مدارس و تعلیم و تربیت در ترقی و پیشرفت ایران اهمیت داده‌اند؟ در پاسخ به این سؤال باید گفت از دیدگاه این روزنامه‌ها گسترش مدارس و تعلیم و تربیت بیشترین نقش را نسبت به سایر مؤلفه‌ها دارند.

اوضاع تعلیم و تربیت در دوره قاجار

تا روزگار قاجار تعلیم و تربیت در مکتب‌خانه‌ها توسط روحانیان و با تأکید بر علوم دینی صورت می‌گرفت. تعداد باسوادان و فرصت‌ها و امکانات آموزشی بسیار محدود بود و کتابخانه عمومی اساساً وجود نداشت؛ کتابخانه‌های خانگی نیز بسیار اندک و محدود به چند جلد قرآن و دیوان شعر بود و به غیر از کتابخانه چند امامزاده و قصر پادشاه، کتابخانه دیگری وجود نداشت.^۱ هر چند ایرانیان از زمان صفویان با دانش‌های جدید اروپاییان و مهارت‌های فنی و نظامی آنها آشنا شدند و پس از آن نیز به تناوب این ارتباط حفظ شد، ولی از آن زمان تا هنگام شکست ایران طی دو جنگ ۱۲۱۸-۱۲۲۸ق. و ۱۲۴۱-۱۲۴۳ق. با روسیه تزاری که منجر به جدا شدن بخش قابل ملاحظه‌ای از کشور شد، ضرورت فراگیری علوم و فنون جدید مورد

۱. یاکوب ادوارد پولاک (۱۳۶۸)، سفرنامه پولاک «ایران و ایرانیان»، ترجمه کی‌کاووس جهانداری، تهران: خوارزمی، صص ۱۲۶، ۱۹۴.

توجه قرار نگرفته بود. در طول چند سده‌ای که ایرانیان درگیر نزاع‌های داخلی و مقابله با یورش‌های خارجی بودند، اروپاییان به لحاظ علمی و فنی در تمامی رشته‌ها به پیشرفت‌های شگرفی دست یافته بودند.^۱ بنابراین شکست‌های ایران در جنگ با روسیه باعث شد عباس میرزا و میرزا عیسی قائم‌مقام بزرگ دریابند که نمی‌توان با سلاح‌های کهنه و ارتش بی‌نظم در مقابل ارتش منظم روسیه که مسلح به جدیدترین سلاح‌های روز بود پیروز شد. حکومت ایران از این رو به فکر فراخوانی تعدادی از کارشناسان اروپایی، در ابتدا فرانسوی و فرستادن محصلین ایرانی به فرنگ برای آموزش فرهنگ و تمدن اروپایی و فراگرفتن زبان و علوم و فنون غربی افتاد که به کار نظام و ترقی صنعت ایران بیاید. تا از این طریق، ضعف علمی و فنی کشور را جبران کند و تا حدودی از رموز پیشرفت‌های سریع آنها اطلاع یابد. مستشارالدوله در انتقاد از مدارس ایران نوشته است: «اگرچه در ایران مدارس بسیار است و تحصیل علوم می‌کنند، اما از برای معاد نه از برای معاش».^۲

از اواسط سلطنت فتحعلی شاه (۱۲۱۲-۱۲۵۰ق.) به بعد بود که آشنایی ایرانیان با تمدن و فرهنگ اروپایی گسترش یافت و آمدوشد با اروپاییان و کشورهای همسایه بیشتر شد. مسافران، بازرگانان، مأموران حکومتی که به هندوستان و یا کشورهای اروپایی می‌رفتند به انتقال پاره‌ای از اصول تمدن جدید اروپایی به ایران پرداختند که یکی از اصول تمدن جدید آن تأسیس مدارس به شیوه غرب بود که در آنها علوم گوناگونی تدریس می‌شد و دارای نظام و قوانین خاصی بودند. برای مثال در زمان عباس میرزا نایب‌السلطنه (۱۲۴۹-۱۲۰۳ق.) که خود فردی روشنفکر و هوادار تمدن و فرهنگ نو بود، نخستین گروه دانشجویان ایرانی به اروپا اعزام شدند و در صدد تأسیس نخستین روزنامه در ایران برآمد. همچنین کتاب‌هایی از آثار مؤلفان فرانسوی، انگلیسی و روسی به فارسی ترجمه شد و هیئت‌هایی به کشورهای اروپایی اعزام گردیدند. این هیئت‌ها پس از بازگشت، مشاهدات خود را به آگاهی دولت ایران می‌رساندند. یکی از مشاهدات این هیئت‌ها مدارس جدید در روسیه بود که در تمام شهرهای آن تأسیس شده بود و مجموع این مدارس در سراسر روسیه به یک هزار و دویست و هشتاد و دو (۱۲۸۲) مدرسه می‌رسید.

ناصرالدین شاه آنگاه که هنوز با فکر ترقی و تجدد تا حدودی همدلی داشت، در فهرست کارهایی که انجام آنها را به مشیرالدوله صدر اعظم عزل شده‌اش وعده می‌داد از «ساختن

۱ فریدون آدمیت و هما ناطق (۱۳۶۱)، *افکار اجتماعی و سیاسی و اقتصادی در آثار منتشر نشده دوران قاجار*، تهران: آگاه.

۲ میرزایوسف خان مستشارالدوله (۱۳۸۶)، *یک کلمه*، تهران: انتشارات بال، صص ۶۴-۶۸.

مدارس جدید» هم سخن می‌گفت.^۱ در ده سال آخر حکومت ناصرالدین شاه، فکر ایجاد مدارس جدید و اندیشه تحول در شیوه آموزش الفبا که از پیش آغاز شده بود، مجال تازه‌تری یافت. روزنامه‌های *حبل‌المتین*، *تربیا* و *اختر* که در خارج از ایران منتشر می‌شدند، هر کدام به سهم خود در لزوم ایجاد مدارس به شیوه جدید و آموزش و پرورش مدرن و در انتقاد از وضع مدارس ایران مطالبی می‌نوشتند. اولین کسی که دبستانی به وضع تازه در ایران تأسیس کرد میرزا حسن رشديه بود و همین علت او را پدر معارف می‌نامیدند و او خود را پیر معارف می‌خواند.^۲ به گفته خود رشديه او با تأثیرپذیری از *روزنامه اختر*، به تأسیس دبستان به شیوه نوین و اصلاحاتی در نظام آموزشی دست زد.^۳

با روی کار آمدن مظفرالدین شاه، امین‌الدوله به وزارت رسید. زمانی که امین‌الدوله به تهران آمد، میرزا حسن رشديه را با خود به تهران آورد تا در اینجا هم دبستانی بنیاد نهد. رشديه در تهران به تأسیس مدرسه رشديه پرداخت.^۴ او مردی روشنفکر و ترقی‌خواه بود که می‌گفت تا ملت نداند چه می‌خواهد و چه کاری باید انجام دهد روی سعادت را نخواهد دید، زیرا از جاهل نادان غیر از جهل و نادانی چیزی تراوش نمی‌کند. او از جمله کسانی بود که اعتقاد داشت باید اول مردم را آگاه کرد. او چاره این کار را در گسترش معارف و تأسیس مدارس به سبک جدید می‌دانست که در آن دانش‌آموختگان به آموختن سایر علوم غیر از علوم شرعی بپردازند. او از روشنفکران می‌خواست تمام توجه خود را به تأسیس مدارس و گسترش آن متمرکز کنند و شاه را به تأسیس و گسترش مدارس و آزادی مطبوعات تشویق می‌کرد.^۵

روزنامه‌های عهد قاجار در عرصه‌های گوناگون اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی به روشنگری می‌پرداختند و بسیاری از آنها ضمن بحث درباره موضوعات مختلف، از لزوم و ضرورت تأسیس مدارس جدید و اهمیت و تأثیر آن در پیشرفت اجتماعی سخن می‌گفتند و از دستاوردهای کشورهای پیشرفته شاهد می‌آوردند تا انگیزه‌ای برای آگاهی و بیداری مردم باشد. در برخی موارد روزنامه‌ها، در مدارس چاپ و توزیع می‌شد و بیشتر نویسندگان یا مدیران و صاحبان جراید خود مدیر یا معلم و یا ناظم مدرسه بودند. نقش روزنامه‌ها در گسترش مدارس

۱ عبدالله مستوفی (۱۳۸۴)، شرح زندگانی من، تهران: زوار، ص ۸۶.

۲ مهدی ملک‌زاده (۱۳۶۳)، *تاریخ انقلاب مشروطیت ایران*، ج ۱، تهران: انتشارات علمی، ص ۱۱۷.

۳ احمد کسروی (۱۳۶۹)، *تاریخ مشروطه ایران*، تهران: انتشارات امیرکبیر، صص ۴۰-۴۱.

۴ ناظم‌الاسلام کرمانی (۱۳۸۴)، *تاریخ بیداری ایرانیان*، تهران: امیرکبیر، ص ۳۶۲.

۵ یحیی دولت‌آبادی (۱۳۷۱)، *حیات یحیی*، تهران: عطار، ص ۲۱۲.

جدید کاملاً آشکار بود و چه بسا پا را فراتر از آن هم می‌نهادند. روزنامه‌های فارسی‌زبان مصر که از آزادی‌های سیاسی بیشتری برخوردار بودند، در مورد ایجاد مدارس جدید آزادانه سخن می‌گفتند و مهم‌ترین دلایل عقب‌ماندگی کشور را فقدان مدارس، جهل، نادانی و تنبلی مردم قلمداد می‌کردند. این روزنامه‌ها از طریق چاپ مقالات متعدد تمام تلاش خود را جهت بیداری مردم ایران و گسترش مدارس به کار گرفتند.

روزنامه‌های فارسی‌زبان

حکمت

یکی از روزنامه‌هایی که در تاریخ مطبوعات ایران نامی نیک از خود برجای گذاشت و می‌توان از آن به‌عنوان یک نشریه تاریخ‌ساز یاد نمود، *روزنامه حکمت* است. این نشریه پیش از انقلاب مشروطه شروع به کار نمود و تا پس از آن منتشر می‌شد. حکمت نخستین نشریه فارسی کشورهای عرب‌زبان در مصر بود. این نشریه هفتگی در سال ۱۳۱۰ق. در قاهره به مدیریت میرزا مهدی‌خان تبریزی ملقب به زعیم‌الدوله و رئیس‌الحکومه با چاپ سری انتشار یافت. این نشریه اندکی نامرتب، ولی به‌طور کلی تقریباً ماهی سه شماره منتشر شده است.^۱

روزنامه ثریا، نشریه‌ای از قاهره مصر

روزنامه ثریا ابتدا در قاهره و سپس در تهران و بعد از پیروزی انقلاب مشروطه در کاشان منتشر می‌شده است. نخستین شماره آن روز شنبه ۱۴ جمادی‌الآخر ۱۳۱۶ق. مطابق ۲۹ اکتبر ۱۸۹۸م. با مدیریت میرزا علی‌محمدخان کاشانی به زبان فارسی در مصر تأسیس گردید و به صورت هفته‌ای یک‌بار روزهای شنبه طبع و روزهای یکشنبه توزیع می‌شده است.^۲

پرورش، روزنامه‌ای از سرزمین مصر

روزنامه پرورش به مدیریت علی‌محمدخان کاشانی در سال ۱۹۰۰م. (۱۳۱۸ق.) در قاهره پایتخت مصر منتشر می‌شد. روی جلد اسم روزنامه (پرورش) و در زیر آن سال تأسیس به قمری و میلادی و در زیر سال تأسیس، عبارت «این روزنامه آزاد است و هفته یک روز جمعه طبع

۱ ادوارد براون (۱۳۸۶)، تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران در دوره مشروطیت، ترجمه محمد عباسی، تهران: انتشارات علم، ص ۵۵۱؛ ناصرالدین پروین (۱۳۷۹)، تاریخ روزنامه‌نگاری ایرانیان و دیگر پارسی‌نویسان، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ص ۳۲۲.

۲ محمد صدرهاشمی (۱۳۶۳)، تاریخ جراید و مجلات ایران، اصفهان: انتشارات کمال، صص ۱۵۱-۱۵۳.

می‌شود» درج شده است.^۱ صاحب‌امتیاز آن محمدعلی‌خان کاشانی از نویسندگان توانای آن زمان بود. وی پیش از انتشار پرورش مدتی را با روزنامه/ختر همکاری نمود. پس از آن به همراه یکی از دوستان هم‌نام خود - سیدفرج‌الله کاشانی - روزنامه ثریا در مصر منتشر نمودند. لیکن وقوع پاره‌ای اختلافات میان این دو نفر باعث شد تا علی‌محمدخان روزنامه ثریا را رها نموده و اقدام به انتشار روزنامه پرورش نماید.^۲

روزنامه چهره‌نما

نشریه فارسی‌زبان سیاسی و اجتماعی و یکی از نشریات مؤثر در افکار و عقاید ایرانیان که ابتدا در اسکندریه و سپس در قاهره، از اواخر دوره قاجار تا اواسط حکومت پهلوی دوم منتشر می‌شد. روزنامه چهره‌نما در سال ۱۳۲۲ ق. (۱۲۸۳ ش.) سه سال پس از تعطیلی پرورش و به‌عنوان چهارمین روزنامه فارسی‌زبان مصر آغاز به انتشار کرد. مؤسس و مدیر چهره‌نما، عبدالمحمد ایرانی ملقب به مؤدب‌السلطان، تاجر و نویسنده اصفهانی بود. وی در سال ۱۳۲۲ ق. از آنجا به مصر مهاجرت کرد. وی در اسکندریه نخستین شماره چهره‌نما را در ۳۰ محرم ۱۳۲۲ ق. / ۱۵ آوریل ۱۹۰۴ م. منتشر کرد.^۳

کمال

روزنامه کمال در شهر تبریز به صاحب‌امتیازی میرزا حسین طیب‌زاده (مدیر مدرسه کمال) تأسیس و شماره اول آن در تاریخ چهارشنبه دهم رجب ۱۳۱۷ ق. منتشر شده است. در شورش مردم تبریز علیه کارگزاران بلژیکی گمرگ که در ربیع‌الثانی ۱۳۲۱ اتفاق افتاد، مدرسه کمال به غارت رفت و میرزا حسین‌خان کمال، مدیر آن راهی خارج شد.^۴ مدیر روزنامه کمال در اوائل سال ۱۳۲۳ ق. به اتفاق تقی‌زاده و میرزا محمدعلی‌خان وارد مصر شدند. مدیر روزنامه کمال پس از چند ماه توقف در مصر روزنامه کمال را تأسیس و منتشر نمود.^۵

۱ روزنامه پرورش (۱۳۷۹)، دوره کامل، کتابخانه ملی جمهوری اسلامی، س ۱، ش ۱، ۱۳۱۸.

۲ ها سیت لوثی رابینو (۱۳۸۰)، روزنامه‌های ایران از آغاز تا سال ۱۳۲۹ هجری، ترجمه و تدوین جعفر خلمی‌زاده، تهران: انتشارات اطلاعات، ص ۱۱۰.

۳ صدرهاشمی، همان، صص ۱۹۷-۱۹۸.

۴ کسروی، همان، ص ۳۱.

۵ صدرهاشمی، همان، ص ۱۴۳.

نقش و اهمیت مدارس از نگاه روزنامه‌های فارسی‌زبان

روزنامه‌های فارسی‌زبان مصر بخش زیادی از مقالات خود را به اهمیت و نقش مدارس در توسعه کشور اختصاص داده‌اند. در کنار آن با انتشار مطالبی در مورد افتتاح مدارس در نقاط مختلف کشور، در صدد تشویق مردم به گسترش مدارس بودند. این روزنامه‌ها با انتشار مقالات متعدد در این زمینه نقش زیادی در توسعه مدارس و بیداری مردم ایفا نمودند. حکمت در مقاله‌ای با عنوان «ترقی‌خواهان را بشارت» به توسعه و گسترش مدارس و نقش آن در ترقی کشور می‌پردازد و به بهانه افتتاح مدرسه کمال توسط طیب‌زاده و چند خیر در تبریز، از خوانندگان خود دعوت می‌کند که در راه‌اندازی و تأسیس این گونه مدارس مشارکت داشته باشند و آرزو می‌کند مردم شهرهای دیگر ایران از آذربایجان در مدرسه‌سازی تقلید نمایند. در حقیقت کمک به مدرسه‌سازی از منظر *روزنامه حکمت* خدمت به فرزندان وطن است. همچنین اعتقاد دارد نوشته‌های این روزنامه در بین مردم کارگر شده و به‌زودی در سراسر کشور مدارس جدیدی افتتاح خواهد شد.

«از همین حالا می‌توانیم بگوییم که یک‌روزی خواهد آمد که این نهال سعادت و شرافت و اقبال که تازه تازه مقبلان و متمولان وطن می‌نشانند، قد بیفزاید و ریشه بکند و شاخ و برگ بهم بزند و به‌هرجا سایه بیفتد و بالاخره درختی برومند و تنومند گردد که ز سایه آن توان رخت بر، و از شاخ آن توان برخوردار... از جمله دانشمند غیور باهمت آقا میرزا حسین مشهور بطیب‌زاده به دستگیری و مددکاری چند تن از اشخاص محترمی که ثروت و مکتب را با غیرت و حمیت همراه دارند... در تبریز نزدیک ارگ کهنه پهلوی یک باب مدرسه بنام (کمال) باز کرده که الحق دارای جمیع محسنات و امتیازات می‌باشد»^۱.

این روزنامه در ادامه سیاست‌های خود در تشویق مردم به افتتاح مدارس جدید در کشور و نقش مدارس در ترقی و پیشرفت ایران، به انتشار نظام‌نامه تأسیس افتتاح مدرسه لقمانیه در تبریز می‌پردازد. در این نوشتار علاوه بر افتتاح مدرسه، نظام‌نامه، وظایف معلمین، وظایف ناظم مدرسه، تکالیف متعلمین و علومی که باید دانش‌آموزان بیاموزند را نیز در روزنامه ذکر می‌کند.^۲

روزنامه حکمت در کنار تشویق مردم به ساخت و افتتاح مدارس به لزوم تطبیق علم و عمل با صنایع پیشرفته پرداخته و معتقد است مباحث نظری در مدارس تنها زمانی ارزشمند و

۱ *روزنامه حکمت* (۱۳۷۹)، دوره کامل، کتابخانه ملی جمهوری اسلامی، س ۸، ش ۸، صص ۱۰-۱۲.

۲ *روزنامه حکمت*، س ۸، ش ۱۷، ص ۱.

گره‌گشا است که جنبه کاربردی پیدا کند. «... باید علوم با صنایع انباز آید و گرنه دانایی گروهی بدون پیشروی چون زراعت و تجارت و آهنگری و درودگری و غیره مثمر هیچ ثمر نتواند شد. از این روست که در ممالک متمدنه همین که شاگرد از آموختن علوم ابتدائیه و تجهیزیه فارغ التحصیل شد آنان را به دستان‌های صنایع و عملیات فرستاده به آموزگارشان می‌سپارند و گرنه علم بی‌عمل نبودنش بهتر از بودنش است»^۱.

روزنامه حکمت در ذیل تأسیس مدرسه سعادت در بوشهر به اهمیت گسترش مدارس و علم‌آموزی در ایران می‌پردازد و اینکه در این چند سال بیشتر از بیست دبستان در کشور افتتاح گردیده است. در بوشهر نیز مدرسه سعادت به کوشش میرزا احمدخان دریابگی امیر تومان، مرزبان و کوتوال بندرهای پارس و کمک ایرانیان هوشمند باز شده است و در انجمنی که بزرگان کشوری و لشگری در آن گرد آمده هرکس به فراخور توانایی به زبان و پول از همراهی باز نایستاد. هفته‌نامه حکمت در مورد اهمیت کسب علم در کشور می‌نویسد: «عزیزان گرامی امروز ترقی هر دولت فلاح و نجات هر ملت و تفوق و مزیت به هر طبقه و طائفه موقوف به علوم است. و این علم که مدار معیشت و زندگانی و مایه ثروت و سعادت سرمدی است میسر نمی‌شود جز به تحصیل، و تحصیل ممکن نیست مگر به وجود مدارس به اسلوب تازه و قانون جدید و تأسیس نمی‌شود الا به همت و اتفاق»^۲.

روزنامه حکمت در مطلبی به نقش پادشاه در توسعه مدارس پرداخته و در اهمیت و توجه مظفرالدین شاه به گسترش مدارس آورده است که «از آغاز ورود شاه به پاریس، میرزا محمودخان علاءالملک وزیر معارف را امر فرموده بودند که جمیع نظامات و قوانین مدارس فرانسوی را یک یک رسیدگی کرده و نظاماتی که مدارس ایران محتاج آنهاست یک به یک ثبت نموده تا به کمال نواقص آنها پرداخته شود. او هم تقاریر خود را مفصلاً عرض کرده و به استصواب نواب شاهزاده عین الدوله مقرر شد که پنج نفر از استادان ماهر مدارس فرانسه انتخاب شده تا تنظیم و تسبیح مدارس ایران به ایشان واگذار شود و اصلاحات مطلوبه به شیوه مدارس فرانسه به مدارس ایران داخل گردد»^۳.

روزنامه چهره‌نما، عامل پیشرفت کشورها را وجود مدارس و کتابخانه‌ها می‌داند. «وسایل

۱ همان، س ۷، ش ۲۶۰، ص ۱.

۲ همان، س ۸، ش ۲۱، صص ۷-۱۰.

۳ همان، س ۱۳، ش ۸۵۷، ص ۶.

ارتقاء به معارج ترقیات محیرالعقول هیئت اجتماعیہ انسانی بسته بافتتاح مدارس و کتابخانه‌های وطنی و روز به امحاحات ملی است»^۱.

روزنامه چهره‌نما در مقاله‌ای دیگر به اهمیت گسترش مدارس و علم‌آموزی در ایران می‌پردازد و گزارش مکتوب یکی از خوانندگان از تبریز را چاپ می‌کند که در آن مسئله عدم گسترش مدارس در شهر تبریز و تأثیر آن در بیداری مردم و زندگی آنان را یادآوری می‌کند. همچنین به مسئله گسترش بیماری وبا در تبریز و عدم مراجعه مردم برای درمان خود به دلیل ناآگاهی، خرافه‌پرستی و رابطه گسترش مدارس و کسب علم و افزایش آگاهی با درمان بیماری اشاره می‌کند و می‌نویسد: «الآن که مشغول تسطیر این سطور هستم یک ماه تمام است که ناخوشی منحوس وبا در اطراف و اکناف تبریز انتشار یافته و برخی از هموطنان نادان که از حقیقت معنی علم و عالم بیخبر هستند. در این اوقات در گرداب جهالت و ضلالت در وادی هلاکت مستغرقند... مردم را از صرافت و خیال طبابت بازگذاشته و فریفته خود ساخته‌اند و نمی‌گذارند که فقرا و مساکین، نوباوگان خودشانرا معالجت نموده و از این مصیبت خلاصی یابند»^۲.

این روزنامه در ادامه به کمبود مدارس در شهر تبریز پرداخته و معتقد است «در تبریز که جان و مرکز ایالت آذربایجان است بجز از دو مدرسه ابتدایی که هریک بیشتر از پانزده نفر شاگرد ندارد مدرسه‌ای نداریم با این وضع و حالت چگونه انتظار ترقی داریم. اگر نونهالان وطن به مدارس بیگانه بروند تا اینکه در مدارس ایشان تحصیل و تدریس نمایند و علم بیاموزند خائنین ملت و دولت بد می‌گویند و راضی نمی‌شوند. نمی‌دانم کدام سنگ را به سر بکوبیم و دردمان را به که بگویم و از که ناله کنیم و به که پناه بریم. در شهری مثل تبریز حداقل باید بیست باب مدرسه ابتدائیه و عالیہ وجود داشت و چند تا روزنامه ملی چاپ می‌شد. باری از هر طریق مأیوس شویم غیر از جراید ملجأ و پناهگاه نداریم که بگویند و بنویسند. در این باب امیدمان به قلم آزاد روزنامه چهره‌نما است»^۳.

چهره‌نما مطلب فرستاده شده یکی از خوانندگان خود را از اصفهان منتشر می‌کند که در آن بار دیگر به اهمیت علم‌آموزی اشاره می‌کند و اعتقاد دارد اگر مدارس در اصفهان گسترش

۱ روزنامه چهره‌نما، س ۲، ش ۲۵، ص ۱۴.

۲ همان، س ۱، ش ۱۴، صص ۱۳-۱۴.

۳ همان.

پیدا می‌کرد و مردم به کسب علم می‌پرداختند کلاشی، ولگردی، دلال، حمال و دزدی کاهش می‌یافت.^۱

از مطالب فوق علاقه شدید چهره‌نما به ایجاد مدارس جدید و نقش آن در پیشرفت و ترقی کشور و برقراری امنیت به خوبی مشهود است، اما به نظر می‌رسد نسبت دادن تمام مشکلات کشور به فقدان مدارس و حل همهٔ مسائل از این طریق خوشبینی بیش از حد این روزنامه باشد، زیرا در کنار تأسیس و گسترش مدارس عوامل دیگری مانند بسترها و زیرساخت‌های اقتصادی، ارتباطات، توسعه راه‌ها و غیره نیز مورد نیاز است.

روزنامه ثریا نیز مانند سایر روزنامه‌های فارسی‌زبان مصر، در مقاله‌ای طولانی به اهمیت مدارس و نقش آن در توسعه کشور و سعادت بشر اشاره می‌کند. همچنین به مقایسه کشورهای شرقی با کشورهای اروپایی و آمریکایی می‌پردازد و علت عدم گسترش علوم در کشور را تنبلی مردم ایران و عدم گسترش مدارس می‌داند. این روزنامه با تأکید بر لزوم گسترش علوم و صنایع، تأسیس مدارس و تدریس علوم جدید را گامی در راستای ترقی و پیشرفت می‌داند. اخذ و انتشار علمی مانند علم جنگ، علم طب، سیاست مدن و حقوق بین دول را از علوم لازم برای کشور می‌داند و از ناشناخته بون این علوم در ایران ابراز تأسف می‌کند:

«طراز هیکل انسانی دانش است و دانش آموختن میسر نشود جز در دبستان و گنجینه علم و دانش که در آن درهای یتیم به یادگار و ودیعت نهاده‌اند به‌دست نیاید جز آنکه مفتاح آن یعنی تحصیل در مدارس میسر گردد. اگر علم را ساحل حیات فرض کنیم سفینه نجات آن مدارس است که انسان به‌واسطه آن از گرداب جهل درگذرد و بیم نکند نه از نعره امواج شبهای تارش ترسد، و نه از کام نهنگ دمانش اندیشد... ملت اروپا و آمریکا آنچه ترقی کردند به‌واسطه علمشان بود و در سایه بلند علم چه کارها که نکردند و چه سعادت‌ها که برای ملت خویش فراهم نیاوردند... دولت ژاپن ما شرقین را عموماً و اسلام را خصوصاً چه نیکو دلیل و برهانی است و معلوم می‌شود خاک شرق را تقصیر و گناهی نیست و آب و هوای آن را نحوست و تلخی نیست، همه گناه از ماست ما اگر قدمی پیش گذاریم و لختی همت کنیم همه خراب‌ها آباد و مطمورها معمور گردند... چنانکه امروز در طهران مدارس متعدد ملیه داریم در سایر شهرها معظم ایران مانند تبریز و اصفهان و شیراز و غیره باز نمائیم که احیای مدرسه و مکتب احیای نفوس است».^۲

۱ همان، س ۱، ش ۱۵، ص ۱۴.

۲ روزنامه ثریا، س ۱، ش ۴۲، صص ۱۴-۱۶.

هفته‌نامه تریا بعد از خیر افتتاح مدرسه سعادت توسط خبرنگار مخصوص خود، ابراز خشنودی می‌کند و عزت، ثروت و قدرت را تحصیل علوم می‌داند. تحصیل علوم بسته به افتتاح مدارس است و افتتاح مدارس منوط به همت رجال باغیرت که قدر این نعمت را می‌دانند.^۱

مدیر روزنامه تریا به نقش و تأثیر مقالات این روزنامه در تأسیس مدارس در بین خوانندگان خود می‌پردازد و در این مورد خبر مکتوب یکی از خوانندگان خود از خراسان را مبنی بر افتتاح مدرسه همت در خراسان را منتشر می‌کند: «از جمله آثار خیری که این روزها رخ نموده اینکه یک کارخانه آدم‌سازی باز شده موسوم به مدرسه همت. بانی این مدرسه محمدعلی خراسانی است، در این مدرسه پنجاه شاگرد تحصیل می‌کنند. نویسنده اذعان می‌کند که یکی از خوانندگان روزنامه تریا می‌باشد، و چند سال در خارج از کشور مشغول تجارت بوده و نصایح روزنامه در این مسئله تأثیر زیادی داشته است».^۲

«نویسنده این روزنامه از قول خبرنگار خود از شهر تهران و در مورد توسعه مدارس جدید در این شهر گزارش می‌دهد و جهت مشروعیت بخشیدن به امر مدرسه‌سازی، جلوگیری از تخریب مدارس و حمایت روحانیون، از مدرسه «اسلامیه» نام می‌برد که مؤسس آن آقا سیدمحمد مجتهد طباطبایی است. این روزنامه در ادامه به دلایل مهاجرت ایرانی‌ها به خارج از کشور اشاره می‌نماید و به‌نوعی این مهاجرت را به مسئله کمبود مدارس و بی‌سوادی مرتبط می‌سازد و اینکه بسیاری از ایرانیان که از کشور مهاجرت نموده‌اند به وطن خویش علاقه‌مند هستند، اما طبیعی است که انسان به دنبال آسایش و رفاه است. اگر بخواهیم جمعیت پراکنده ایران دوباره جمع شوند و از این به بعد کسی از ایران خارج نشود نیازمند اجرای قوانین عدل و مساوات هستیم که شاه و گدا از حقوق خویش محروم نشوند و مسئله بعد آبادی مملکت که این دو بسته به وجود علم و گسترش مدارس در کشور است. مقصود اینکه آنچه باعث ایجاد نواقص در امورات کشور است به دلیل بی‌علمی است و طریق دانستن علم همانطور که گفته شد ایجاد مدارس در سراسر کشور است».^۳

«ای ابنای عزیز وطن: زیور انسان علم و دانش است و ما امروز از این زیور محرومیم لکن به جد و جهد تحصیل آن ممکن باشد اگر اندکی همت کنیم و روزی چند رنج بریم زحمتمان

۱ همان، س ۲، ش ۲۵، صص ۱۰-۱۱.

۲ همان، س ۳، ش ۲، ص ۱۰.

۳ همان، س ۲، ش ۱۷، صص ۵-۷.

بی‌ثمر نمی‌ماند چنانکه دیدیم ملل سایر ه رنج بردند و گنج یافتند.^۱ روزنامه پرورش نیز در برخی از مقالات خود به بحث اهمیت مدارس در کشور پرداخته و در ادامه اهداف خود جهت نشر اندیشه گسترش معارف و توسعه مدارس و به بهانه افتتاح مدرسه «سعادت» به نشر مطلبی با عنوان «ترقی معارف در بوشهر» از قول خبرنگار خود می‌پردازد و می‌نویسد:

«خبرنگار ما ... از بوشهر می‌نگارد که چون دریابگی به افتتاح مدرسه سعادت اقدام کرد مردم اقبالی نداشتند و گمان می‌کردند که این کارها هم مانند کارهای دیگر ما است و مدرسه دوامی نخواهد کرد و قانونی مستحسن نخواهد داشت و دریابگی چون این مدرسه باز کرد خرج شست نفر شاگرد را متقبل شده... پس از دوماه که آقا شیخ محمدحسین معلم مختصر امتحانی از شاگردان داد و مردم آثار ترقی در آن مشاهده کردند بی در پی اطفال خود را به این مدرسه فرستادند... این ققره ظاهر می‌دارد که اهالی ایران اگر بدانند حکومت بدان کار که اقدام می‌کند به خوبی به انجام خواهد رسانید هیچ‌جا نگرانی نکرده در هر حال مانند ملل اروپا با حکومتشان همراهی خواهند داشت.»^۲

این روزنامه در شماره ۲۷ خود برای اطلاع‌رسانی و تشویق مردم به ساخت و کمک به مدارس، به «مدرسه امینیه بروجرد» می‌پردازد که این مدرسه توسط شاهزاده «عین الدوله» حاکم «بروجرد، لرستان و عربستان» تأسیس شده است. همچنین چند نفر از بزرگان هر ماه مقداری پول جمع نموده و به مدرسه می‌پردازند که در ماه پانزده تومان می‌شود. این توجه بزرگان و ارباب حل و عقد به امور مدرسه منجر به ظهور و بروز آثار ترقی و تمدن در کشور خواهد شد و به زودی خواهیم دید که در هر روستایی مانند فرانسه مدرسه‌ای افتتاح خواهد گشت.^۳

روزنامه پرورش، در کنار توجه به جایگاه مدارس در کشور، در مقاله‌ای با عنوان «اصلاح وضع مکاتب ایران» به اهمیت جایگاه تعلیم و تربیت در کشور پرداخته و شغل معلمی را از مشکل‌ترین و مهم‌ترین مشاغل در هر مملکتی می‌داند، به دلیل اینکه اصلاح وضع امور تربیت ملت را از وظایف آنان می‌داند و معتقد است «علت عمده خرابی همه جوامع بر اثر فساد اخلاق صورت می‌گیرد و اصلاح این امور نیز در دوران طفولیت صورت می‌پذیرد، اصلاح ملت تنها به

۱ همان، س ۱، ش ۴۱.

۲ روزنامه پرورش، س ۱، ش ۲۴، ص ۱۴.

۳ همان، س ۱، ش ۲۷، ص ۱۶.

علم اخلاق میسر است»^۱.

از مطالب فوق علاقه شدید پرورش به ایجاد مدارس جدید به خوبی مشهود است. پرورش حتی پای خود را از این هم فراتر نهاده و در جامعه‌ای که هنوز مردان فرصت آموزش به شیوه جدید را نداشتند خواستار آموزش دختران می‌شود. چنانکه در مقاله‌ای که از سوی یک زرتشتی رسیده، آمده است: «یکی از اسباب عمده و وجوهات محققه ترقی و پیشرفت فرس قدیم شناخت حقوق و پاس احترام جنس نوسوان بوده... در کدام آیه از آیات قرآن که پیش مسلمین شریف و مقدس است مذکور افتاده که باید جانب نوسوان فرو گذاشت و تربیت ایشان را منظور نداشت»^۲.

مقایسه ایران با سایر کشورها در توسعه مدارس

روزنامه‌های فارسی‌زبان چاپ مصر در کنار مقالات خود در زمینه اهمیت و نقش مدارس در توسعه کشور به ارائه مطالب و مقالاتی در زمینه مقایسه کشور ایران و ایرانیان مقیم کشورهای خارجی با سایر کشورهای مترقی می‌پرداختند و مهم‌ترین دلایل عقب‌ماندگی ایرانیان را فقدان مدارس و جهل می‌دانند و معتقدند تنبلی و جهالت مردم و بی‌تفاوتی در ساخت مدارس این عقب‌ماندگی را تشدید نموده است.

روزنامه حکمت در شماره ۸۴۱ خود در مقاله‌ای به قلم «سیدحسن» مدیر جریده گنجینه فنون در تبریز به انتقاد از کشور می‌پردازد، و یکی از راه‌های پیشرفت مملکت را گسترش مدارس می‌داند و معتقد است این مسئله نیازمند یک عزم ملی است: «وضعیت مملکت نامناسب است دستی لازم است چون اهرم (ارخمیدوس) و عزمی چون عزم میکادو (موتسوهیتو) که ملت را از خاکستر گرم برداشته و به بستر نرم نهد و و بر مسند عزت نشاند و در جرگه ملل حیه داخل نماید»^۳.

حکمت طی مقاله‌ای به تعداد، افزایش و اهمیت مدارس در ترقی مصر پرداخته و این کشور را از لحاظ گسترش مدارس و نقش آنها در توسعه کشور الگو قرار داده است. در کشور مصر ده میلیون نفری، حکومت مصر سالیانه قریب به سیصد هزار لیرای مصری مصرف مدارس شهرها می‌کند، با این حال باز این همه مدارس را کافی نمی‌داند... در انتها آرزو می‌کند که آیا روزی خواهد آمد که حکومت ایران و ایرانیان این مشروع مقدس را سرمشق خود کرده و

۱ همان، س ۱، ش ۱۷، صص ۸-۹.

۲ همان، س ۱، ش ۲۸، صص ۴-۵.

۳ روزنامه حکمت، س ۱۴، ش ۸۶۱، ص ۲.

پسران و نیرگان خویش را زنده جاوید کنند یا نه.^۱

این روزنامه در مقاله‌ای با عنوان «ساخت مدارس در مصر و بی‌تفاوتی در ایران» به مقایسه ایرانیان مقیم مصر با سایر اقوام پرداخته و می‌گوید: «همه ملل در مصر مدارس و بیمارستان‌های متعدد و جمعیت خیریه مختلف و جرائد گوناگون داشته و هم روز افزونند. در مقابل اینها ما چه داریم، آیا وقت این نرسیده است که ایرانیان سر از خواب غفلت بردارند. آیا این معاشرت چهل ساله ما با مصری و فرنگی در چنین نقطه و بقعه برای تعلیم و عبرت ما کافی نیست؟» بنابراین معتقد است حضور طولانی مدت ایرانی‌ها در مصر، به دلیل بطالت، کسالت، عدم همت، خودبینی، غرور تکبر و غیره که سرآمد همه اینها جهالت و غفلت است، باعث شده توجه چندانی به توسعه مدارس و پیشرفت خود نداشته باشند.^۲

روزنامه حکمت در شماره ۲۵۰ خود در مطلبی تحت عنوان «سلطان ذی‌شان» وصیت‌نامه فؤاد پاشا را آورده است که در آن به عوامل عقب‌ماندگی کشور عثمانی اشاره می‌کند و گسترش مدارس و معارف را مهم‌ترین عامل توسعه و پیشرفت کشور می‌داند.^۳

روزنامه چهرنما نیز در مقاله‌ای در جواب گسترش مدارس یهودیه در اصفهان به مقایسه تاریخ گذشته ایران و غرب می‌پردازد و بیان می‌کند زمانی که در ایران مدارس گسترش داشت و صنایع و علوم پیشرفت داشت غرب در ظلم و جهل به سر می‌برد. حتی معتقد است در مدارس گذشته نه تنها پسران بلکه دختران در تحصیل مشارکت داشته‌اند و هزاران مدرسه علمی و فنی در کشور وجود داشت. اما ایرانیان زمان خود را تنبل و تن‌پرور نشان می‌دهد و اظهار امیدواری می‌نماید که بزرگان اصفهان قدری همت نمایند و ملت را نزد ارمنه و یهودیها سربلند کنند و هرکس به قدر همت و غیرت خود در تأسیس مدارس و ترویج علوم به طرز جدیده کوشش نمایند.^۴

در همین زمینه، روزنامه چهرنما در شماره شش خود در مورد اهمیت علم‌آموزی و وقف مدارس، به مقایسه کشور ایران و همچنین ایرانیان مقیم مصر با مردم آن کشور پرداخته است. در مصر مدارس زیادی تأسیس شده و حتی عده‌ای از مردم به وقف مدارس پرداخته‌اند، اما در ایران کسی به این مسئله مهم که نقش بسزایی در توسعه کشور و فرزندانمان دارد توجهی نمی‌کند. همچنین از ایرانی‌های مقیم مصر دعوت می‌کند همت کنند و مدارس تأسیس نمایند تا

۱ همان، س ۱۳، ش ۸۶۰، صص ۱۲-۱۳.

۲ همان، س ۱۳، ش ۸۴۶، ص ۱۰.

۳ همان، س ۷، ش ۲۵۰، صص ۵-۶.

۴ روزنامه چهرنما، س ۱، ش ۱۹، صص ۱۲-۱۳.

کودکان ایرانی مانند مصریان کسب علم کنند.^۱

روزنامه ثریا نیز در مقایسه کشور ایران با کشورهای اروپایی و جهت آگاهی خوانندگان خود و تشویق آنها به مدرسه‌سازی گزارش ادوارد براون را از مدرسه کمبریج می‌آورد که در انگلستان تعداد و تنوع مدارس بسیار زیاد است. بعضی از مدارس توسط دولت تأسیس شده تا اطفال فقیر به صورت مجانی در آنجا درس بخوانند.^۲

این روزنامه برای نیل به اهداف خود که همانا افتتاح مدارس و گسترش مدرسه‌سازی در ایران است، به شرح نظام مدارس اروپایی به خصوص (سوئیس) می‌پردازد و بیان می‌کند اگر دولت ایران این قوانین را در کشور پیاده نماید، باعث گسترش آگاهی مردم و جلوگیری از بی‌سوادی می‌شود.^۳

روزنامه ثریا در ادامه گزارش مکتوب به مقایسه کشور ایران با سایر کشورهای اروپایی و حتی ژاپن پرداخته است و مهم‌ترین اساس ترقی کشورها را توسعه مدارس می‌داند. این روزنامه در ادامه یاد آوری می‌نماید که راه ترقی و پیشرفت کشور توسعه مدارس در سراسر ایران است و مردم و دولت باید تلاش نمایند تا مدارس بیشتری در شهرهای ایران افتتاح گردد.^۴

نقش مخالفت نیروهای مذهبی در عدم توسعه مدارس

روزنامه‌های فارسی‌زبان مصر یکی از عوامل عدم گسترش مدارس را مخالفت گروهی از روحانیون و نیروهای مذهبی می‌داند که به دلیل ترس از کم‌رنگ شدن و از بین رفتن اسلام با تأسیس مدارس و جایگزینی آن به جای مکاتب به شدت مخالفت می‌نمودند. روزنامه چهارمنا دلیل فقدان مدارس را مخالفت بعضی از مقدسین می‌داند که با اصول و بنیان مدارس به سبک جدید مخالفت می‌کنند. به همین دلیل در شهری مثل تبریز که نخستین مدارس به سبک جدید توسط میرزا حسن رشديه تأسیس شد در اوایل ورودش مقدسین و بعضی از مردم او را کافری نجس‌العین می‌دانستند به دلیل آنکه الفبا را تغییر داده و فتحه را که تا آن زمان «زیر» می‌گفتند صدای بالا نام نهاد، ضمّه را که تا آن وقت «پیش» می‌نامیدند صدای وسط می‌گفت، کسره را که تا آن وقت «زیر» می‌خواندند صدای پایین می‌خواند و همچنین خط عمودی و خط افقی یاد

۱ همان، س ۱، ش ۶.

۲ روزنامه ثریا، س ۱، ش ۲۲، صص ۹-۱۰.

۳ همان، س ۱، ش ۳۲، صص ۱۱-۱۲.

۴ همان، ص ۱۲.

اطفال داد. یا می‌گفتند در مکتب‌خانه‌ها که در سرگذرها و بازارها پسران و دختران باهم می‌نشستند چه ضرر داشت که باید در مدرسه بیایند. دیگر آنکه چون چوب و فلک در مدرسه نیست، اطفال خودسر بار می‌آیند. روزنامه *چهره‌نما*، نطق «حجت‌الاسلام آقای نجفی» را در مورد مدارس منتشر می‌کند که ایشان در این مورد گفته‌اند: «در مورد مدارس برخی علماء را عقب نموده‌اند که چرا معاند مدارس شده‌اید امر بر آنها مشتبه است مدارس مثل مدرسه «ایمانیه» و «باقریه» و «حقایق» را تمجید نموده‌ایم و اعانه به جهت ایتمام قرار می‌دهیم و بر طبق این دو مدرسه، دو مدرسه دیگر قرار دادم تأسیس کنند و مدرسه مثل مدرسه اسقف که در محله چهار سوق شیرازی‌ها بوده حکم به هدمش کردم. تعریف نداشت بواسطه معاشرت اجانب در او عجاتاً در تأسیس مدارس کثیره باز ساعی هستم که به قانون شریعت دایر کنند کما آنکه آقای عمادالاسلام اخوی خود را فرستاده امتحان می‌نمایند»^۱

روزنامه ثریا مانند سایر همتایان خود در بررسی علل عقب‌ماندگی کشور به اهمیت افتتاح مدارس در کشور توجه دارد. از آنجا که *ثریا* تنها راه گسترش علم و تکنولوژی را تأسیس مدارس جدید می‌داند، بر تأسیس مدارس تأکید زیادی دارد و آن را موجب رستگاری در دنیا و عقبا می‌داند، همچنین توسعه علوم را از طریق تحصیل در مدارس امکان‌پذیر می‌بیند. در عین حال یکی از مشکلاتی که *روزنامه ثریا* آن را مورد انتقاد شدید قرار می‌دهد موانعی است که در تأسیس مدارس جدید علمی در ایران از سوی برخی از علماء و افراد مذهبی ایجاد می‌شود.^۲

حکمت نامه ارسالی یکی از خوانندگان خود از تبریز را منتشر می‌کند که در آن نویسنده در ابتدا از افتتاح مدرسه «تربیت» در تبریز می‌نویسد، در ادامه نویسنده افسوس می‌خورد که این مدرسه به سرانجام نمی‌رسد و به دلیل مخالفت بعضی از روحانیون از جمله سیدمحمد واعظ یزدی به دلیل اینکه در این مدارس تعلیم و تعلم به سبک اجنبی صورت می‌گیرد از افتتاح مدرسه ممانعت به عمل آمد. «افسوس که امیدمان بر باد رفت. خوش درخشید ولی دولت مستعجل بود. چرا؟ زیرا حاجی سیدمحمدواعظ یزدی نامی در دهه اول محرم هر روز در خانه حاجی شیخ و حاجی قاضی بالای منبر رفته و مؤسسين این مدرسه و امثال ما را به هر نحو و زبانی که داشت و توانست تکفیر نمود... مکرر از جناب امین الدوله به ناسزا یاد کرد که او باعث افتتاح این گونه مدارس در ایران گردیده و هرگز شریعت اسلام تعلیم و تعلم السنه اجنبیه

۱ روزنامه *چهره‌نما*، س ۲، ش ۳، ص ۴.

۲ روزنامه *ثریا*، س ۱، ش ۳۶.

را جواز نمی‌دهند.^۱ حکمت در ادامه به انتقاد از این روحانی و شرارت‌های او در کلکته می‌پردازد. و اینکه چرا در منبر این سید بجای ارشاد و هدایت مردم به سخنان گمراه‌کننده پرداخته می‌شود. و آیا اینکه هر کسی مقدمات صرف و نحو را آموخت شایسته امامت، فقاهت و قضاوت است؟ در کنار آن نویسنده حکمت به انتقاد از مؤسسين مدرسه تربیت می‌پردازد، که چرا به راحتی از مقاومت دست کشیده‌اند.^۲

نقش انجمن معارف در گسترش مدارس

روزنامه حکمت در شماره ۲۴۷ خود در صفحه اول مقاله‌ای با عنوان «بشارت» در خصوص تعمیم معارف، نشر علوم و بنیاد مدارس به بیان گسترش مدارس در ایران می‌پردازد و خرسندی خود را از تأسیس انجمن مکاتب ملیه ایران که به ترویج و اصلاحات اساسی مکاتب و مدارس می‌پردازد ابراز می‌دارد. در مورد گسترش مدارس و جایگزین کردن آنها به جای مکتب‌خانه‌ها می‌نویسد:

«از این رو به نهایت شکرگزاریم و امیدوار هستیم که عنقریب از آن مکتب‌خانه‌های سر گذرها که در واقع نکبت‌خانه و مجلس اطفال است و جای فساد استعداد و اختلال هوش و خیال و تضييع وقت مبتدیان و تکدر قریحه صافی نوآموزان فارغ و خلاص شویم که الحق هیچ ندانستن بهتر از آن چیز است که در آنها آموخته می‌شود».^۳

این روزنامه در ادامه مقالات خود در زمینه اهمیت و گسترش مدارس و کسب علم در کشور بر اهمیت نظارت وزارت علوم و معارف بر مدارس و رعایت قوانین توسط مدارس، همچنین یکسان‌سازی کتاب‌ها و ایجاد قوانین یکسان در سراسر مدارس کشور را از جمله عوامل رشد و توسعه مدارس و گسترش عدالت تأکید می‌کند.^۴

روزنامه تریا در شماره ۲۰ خود در مقاله‌ای تحت عنوان «ترقیات ایران» به تأسیس انجمن معارف و اهمیت این انجمن در حمایت از تأسیس مدارس جدید و نگهداری از مدارس پرداخته است و همچنین اشاره می‌نماید که در تحت حمایت مظفرالدین شاه مدارس و ادارات و انجمن برای انتشار علوم و تربیت در میان اهالی ایران تأسیس می‌شود. «تخمی که کاشته شده

۱ روزنامه حکمت، ش ۵، ص ۱۳.

۲ همان، ص ۱۴-۱۵.

۳ روزنامه حکمت، س ۷، ش ۲۴۷، صص ۱-۳.

۴ همان، س ۸، ش ۲۲، صص ۲-۴.

خواهد روئید ولی نهال تازه محتاج آبیاری است لذا در تحت ریاست پادشاه ایران مجلسی مسمی به انجمن معارف تشکیل یافته است انجمن مزبور برای ازدیاد سرمایه و نگاهداری مدارس تازه دایر شده و همچنین برای تأسیس مدارس جدید از نماینده‌های دولت علیه ایران که در خارجه هستند درخواست مساعدت نموده»^۱.

نقش خیرین در توسعه مدارس از نگاه روزنامه‌های فارسی‌زبان

روزنامه ثریا در خصوص گسترش مدارس در کشور به نقش و اهمیت افراد خیر در داخل و خارج از کشور پرداخته‌اند. همچنین با انتشار مطالبی در مورد این افراد سعی در جلب توجه بیشتر مردم در امر وقف اموال خود در تأسیس مدارس و نقش این وقف در ترقی و پیشرفت کشور داشتند و به‌زعم خود در این زمینه موفقیت‌هایی نیز به‌دست آوردند، چون عده‌ای از خوانندگان این روزنامه‌ها اذعان نموده‌اند که پس از مطالعه این مطالب به تأسیس مدارس علاقه‌مند شده‌اند.

این روزنامه در اهمیت مدارس و جهت تشویق مردم و خیرین در امر تأسیس آن، خبر افتتاح مدرسه‌ای دیگر را از قول خیرنگار خود از شیراز می‌دهد و می‌نویسد حکومت ایالت شیراز در سال جدید به نظام الممالک واگذار شده است: «ایشان کارخانه قالبیافی را به دستور پدر خود تأسیس نمود و بیست نفر از بچه‌های بی‌سرپرست را زیر دست استادان قالبیافی گذاشت تا این حرفه را بیاموزند. پس از آن به فکر تأسیس مکتب مخصوص ایتم افتاد، خانه مخصوصی را برای این امر اجاره نمود و چهل نفر از کودکان یتیم و کوچه‌گرد از شش تاده ساله را در این مدرسه جمع کرد. ریاست این مکتب‌خانه به میرزا حسین خان معتمد دیوان سپرده شد و تمام لوازم مورد نیاز را در اختیار آنان قرار داد»^۲.

بنابراین همان‌طور که ذکر شد روزنامه‌های فارسی‌زبان مصر تلاش گسترده‌ای در زمینه گسترش مدرسه‌سازی در کشور انجام دادند و در این زمینه مقالات متعددی منتشر نمودند. هرچند در این راه مقاومت‌های زیادی صورت پذیرفت و عده زیادی به نام دین به تخریب مدارس پرداختند و مانع از افتتاح مدارس شدند، اما نمی‌توان نقش روزنامه‌ها را در بیداری مردم ایران زمین و گسترش روزنامه‌ها نادیده گرفت.

۱ روزنامه ثریا، س ۸، ش ۲۰، صص ۸-۹.

۲ همان، س ۱، ش ۲۲، صص ۷-۸.

دو سال بعد از انتقاد روزنامه‌های فارسی‌زبان مصر از فقدان مدارس ایرانی در مصر، روزنامه حکمت در دو مقاله گزارش مبسوطی از ساخت و تأسیس مدارس ایرانیان در قفقاز، استامبول، مصر و کلکته خبر می‌دهد. این مسئله تا حدودی نشان‌دهنده تأثیر روزنامه‌ها و تأکید آنها بر ساخت مدارس بر افکار مردم است.

روزنامه چهره‌نما به منظور تحریض مردم به تأسیس و گسترش مدارس، گزارش یکی از خوانندگان خود را از اصفهان چاپ می‌کند که در آن به گسترش مدارس در این شهر و به اهمیت و توجه «ظل السلطان» و علما به افزایش مدارس می‌پردازد. همچنین معتقد است باید مردم ایران برای مردم اصفهان شادی کنند که فردی مانند ظل السلطان بر آن حکومت می‌کند. در کنار آن به نقش علما و تشویق آنها جهت گسترش مدارس پرداخته است. «چنانچه آقای نجفی از علمای شهر به تأسیس مدرسه به اسم اسلامیة پرداخته، فرموده‌اند ماهی پنجاه تومان به رسم اعانه برای مصارف مرحمت کنند»^۱.

روزنامه حکمت نیز می‌نویسد: «ایرانیان مصر از روی حمیت و غیرت وطنیه به فکر تأسیس مدرسه برای تعلیم کودکان ایرانیان افتاده در جلسه اولی که فقط برای استشاره بوده ۸۲۰ لیرای مصری اکتساب کرده و در جلسه دوم ۵۰۰ لیرای دیگر به آن افزوده گشت و نیز مقرر گردید که اعلان فارسی عمومی برای اطلاع همه ایرانیان قطر مصری منطبع شده و توزیع شود تا پس از جلسه سوم به تأسیس و فراهم آوردن لوازم مدرسه شروع نمایند»^۲.

همچنین روزنامه ثریا در شماره ۲۰ خود در مقاله‌ای با نام «ان الله یحب المحسنین» بار دیگر به اهمیت مدرسه‌سازی و نقش میرزا رضاخان دانش ارفع الدوله، وزیر مختار و ایلچی مخصوص دولت علیه در دربار روس در گسترش علم‌آموزی اشاره می‌کند.^۳ خبرنگار این روزنامه در بوشهر به تأسیس مدرسه‌ای در این شهر توسط دریایی‌گی حاکم اشاره می‌کند و اینکه بیست طفل یتیم را خرجی می‌دهند تا تعلیم و تربیت بیاموزند و از طرفی در چند روز قبل نیز وجهی از بعضی وطن‌پرستان برای مدرسه سعادت جمع‌آوری کردند. در آخر نیز از مدیر روزنامه ثریا می‌خواهد اسامی تمام کسانی را که به مکتب‌خانه سعادت اعانه فرستاده‌اند در روزنامه درج کند تا دیگران نیز به وجد بیایند و در کلیه شهرهای ایران مدارس و مکتب‌خانه

۱ روزنامه چهره‌نما، س ۲، ش ۴، صص ۳-۴.

۲ روزنامه حکمت، س ۱۴، ش ۸۶۹، ص ۱۴.

۳ روزنامه ثریا، س ۲، ش ۲۰، صص ۶-۷.

تأسیس کنند و سایر والیان و حکام به این گونه امور خیریه اقدام کنند.^۱
 روزنامه پرورش در اکثر شماره‌های خود در ادامه روش روزنامه ثریا، به چاپ مقالاتی در جهت توسعه و گسترش مدارس و تشویق مردم، به خصوص خیرین به ساخت مدارس می‌پردازد. این روزنامه در شماره ۱۰ گزارش مکتوبی را از بوشهر، از قول خبرنگار خود در مورد کمک خیرین به مدرسه سعادت منتشر می‌کند که هدف خود را از نشر این مطالب، تشویق سایر افراد جهت کمک به مدارس و تشویق به علم‌آموزی می‌داند.^۲

مدیر روزنامه پرورش یعنی علی محمد کاشانی که در سفر مظفرالدین شاه به اروپا همراه هیئت وی سفر کرده بود، با افراد مختلف هیئت همراه به خصوص شاهزادگان به گفتگو پرداخته است. او یکی از این گفتگوهای خود را با شاهزاده موثق‌الدوله در باب علاقه این شاهزاده به مدرسه‌سازی و به منظور تشویق خوانندگان خویش به توسعه مدارس در کشور در روزنامه منتشر می‌کند. در این نوشته به علاقه مفرط این شاهزاده به تأسیس مدرسه در کاشان و نگرانی وی از مخالفت علما به مدرسه‌سازی اشاره می‌شود.^۳ علی محمد کاشانی تلاش می‌نماید از طریق نشر این گونه مطالب مرتبط با مدرسه‌سازی، زمینه آگاهی بیشتر مردم را فراهم نماید و مشوق خیرین در امر ساخت مدارس شود، زیرا تنها راه توسعه کشور را گسترش مدارس و علم‌آموزی می‌داند.

نتیجه‌گیری

همان‌طور که در مطالب بالا ذکر شد روزنامه‌های فارسی‌زبان از چند جهت به اهمیت و نقش مدارس در توسعه و جلوگیری از عقب‌ماندگی کشور پرداخته‌اند. بیشتر مطالب این روزنامه‌ها در مورد مدارس، به نقش مدارس در پیشرفت کشور و نقش فقدان مدارس در عقب‌ماندگی کشور اختصاص دارد. همچنین عدم توسعه مدارس در کشور را مساوی با جهل دانسته‌اند که خود این مسئله باعث پیامدهای مختلفی از جمله گسترش بیماری و غیره در کشور می‌شود. دومین حوزه از نظر فراوانی مطالب و مقالات، توجه این روزنامه‌ها به نقش افراد خیر و مقامات سیاسی و فرهنگی در تأسیس مدارس در کشور است. در این زمینه این روزنامه‌ها نمونه‌هایی از نقش خیرین کشورهای دیگر در افتتاح مدارس را گوشزد می‌نمودند. رتبه سوم

۱ همان، س ۲، ش ۱۰، ص ۱۸.

۲ روزنامه پرورش، س ۱، ش ۱۰، صص ۷-۸.

۳ همان، س ۱، ش ۱۹، صص ۳-۴.

مقالات را می‌توان به مقایسه کشور ایران با کشورهای اروپایی و همچنین مقایسه ایرانیان مقیم کشورهای خارجی از جمله مصر با سایر خارجیان ساکن مصر مربوط دانست که از تنبلی و جهالت مردم ایران شکایت می‌کنند؛ زیرا هیچ توجهی به توسعه خود ندارند و نسبت به تحصیل فرزندان خود بی‌توجه‌اند. در کنار آن نیز مهم‌ترین عامل پیشرفت کشورهای اروپایی و حتی ژاپن را گسترش مدارس در این کشورها قلمداد می‌کنند. سپس مسئله انجمن معارف و مخالفت روحانیون و متشرعین در مراحل بعدی قرار دارد. این مسئله خود نشان‌دهنده این موضوع است که فقط عامل مخالفت متشرعین از دیدگاه این روزنامه‌ها نمی‌توانسته عامل فقدان مدارس در کشور باشد، بلکه جهالت، تنبلی، بی‌تفاوتی و استبداد می‌تواند مهم‌ترین نقش را در عدم توسعه مدارس داشته باشد. بنابراین هرچند تأسیس و گسترش مدارس نقش زیادی در ترقی و پیشرفت کشور و جلوگیری از عقب‌ماندگی دارد، اما باید متذکر شد که این کار نمی‌تواند تنها عامل مؤثر باشد بلکه همانطور که ذکر شد برای ترقی یک کشور به عوامل متعدد دیگری نیز نیاز است که باید مورد توجه قرار گیرد.

منابع و مآخذ

- آدمیت، فریدون و ناطق، هما (۱۳۶۱)، افکار اجتماعی و سیاسی و اقتصادی در آثار منتشر نشده دوران قاجار، تهران: آگاه.
- براون، ادوارد (۱۳۸۶)، تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران در دوره مشروطیت، ترجمه محمدعباسی، تهران: انتشارات علم.
- پروین، ناصرالدین (۱۳۷۹) تاریخ روزنامه‌نگاری ایرانیان و دیگر پرسی نویسان، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- پولاک، یاکوب ادوارد (۱۳۶۸)، سفرنامه پولاک «ایران و ایرانیان»، ترجمه کیکاووس جهانداری. تهران: خوارزمی.
- دولت‌آبادی، یحیی (۱۳۷۱)، حیات یحیی، تهران: عطار.
- رایینو، هاسنت لویی (۱۳۸۰)، روزنامه‌های ایران از آغاز تا سال ۱۳۲۹ هجری، ترجمه و تدوین جعفر خماسی‌زاده، تهران: انتشارات اطلاعات.
- روزنامه پرورش (۱۳۷۹)، بازچاپ دوره کامل، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- روزنامه نریا (۱۳۷۹)، بازچاپ دوره کامل سه جلدی، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.

- روزنامه *چهره‌نما* (۱۳۸۴)، بازچاپ سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- روزنامه *حکمت* (۱۳۷۹)، بازچاپ دوره کامل، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- روزنامه *کمال* (۱۳۷۹)، بازچاپ دوره کامل، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- صدرهاشمی، محمد (۱۳۶۳)، *تاریخ جراید و مجلات ایران*، اصفهان: انتشارات کمال.
- کرمانی، ناظم الاسلام (۱۳۸۴)، *تاریخ بیداری ایرانیان*، تهران: امیر کبیر.
- کسروی، احمد (۱۳۶۹)، *تاریخ مشروطه ایران*، تهران انتشارات امیر کبیر.
- گوئل کهن، (۱۳۶۳) *تاریخ سانسور در مطبوعات ایران*، تهران: انتشارات آگاه.
- مجدالاسلام، احمد کرمانی (۲۵۳۶)، *تاریخ انحطاط مجلس*، اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- مستشارالدوله، میرزایوسف خان (۱۳۸۶)، *یک کلمه*، تهران: انتشارات بال.
- مستوفی، عبدالله (۱۳۸۴)، *شرح زندگانی من*، تهران: زوار.
- ملک‌زاده، مهدی (۱۳۶۳)، *تاریخ انقلاب مشروطیت ایران*، تهران: انتشارات علمی.



